

راهکارهای مدیریت در اندیشه تراز انقلاب اسلامی در نظام تعلیم و تربیت با نگاهی به بیانیه گام دوم انقلاب

پریا ابراهیمی خرم آبادی^۱

^۱ کارشناسی، معماری، دانشگاه دورود خرم آباد

Paryaebrahimi1371@gmail.com

چکیده :

پژوهش حاضر با هدف بررسی «راهکارهای مدیریت در اندیشه تراز انقلاب اسلامی در نظام تعلیم و تربیت با نگاهی به بیانیه گام دوم انقلاب» انجام شده است. روش پژوهش حاضر کیفی بوده و نحوه گردآوری داده‌ها بر اساس شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد. نحوه تحلیل داده‌ها نیز مبتنی بر رویکرد توصیفی و تحلیلی می‌باشد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که به‌منظور تحول و پیشرفت در کشور تمامی ساختارهای کشور به‌نوعی تحول یابند که امکان تحقق گزاره‌های بیانیه گام دوم انقلاب ممکن شود. نقش مدیریت در آموزش و پرورش به‌عنوان یک نهاد فرهنگی و اجتماعی، نقش اساسی و بی‌بدیل در تربیت نیروی انسانی و تولید سرمایه اجتماعی و فرهنگی و در فرایند رشد و تعالی کشور ایفا می‌کند. به‌گونه‌ای که آینده کشور در آینه آموزش و پرورش امروز قابل مشاهده است. می‌توان گفت مدیریت آموزشی اثر بخش در آموزش و پرورش کشور می‌تواند ضمن اثربخشی جریان آموزشی زمینه‌ساز رشد و بالندگی شود و تمامی زیرساخت‌های مرتبط با نهاد آموزش و پرورش را در مسیر درست هدایت کند.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، گام دوم، تعلیم و تربیت، پیشرفت

۱- مقدمه :

برای نهادینه کردن اخلاق و معنویت در مدیریت سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و ارتباط آن با گام دوم انقلاب اسلامی باید به آموزه‌های قرآن، نقش معنوی، اسوهای و هدایتی ائمه اطهار توجه کرده و افتخار به ارزش‌های اصیل و ماندگار اسلامی اهتمام ورزیده و تعمیق و تربیت و آداب اسلامی، تقویت اعتماد و التزام به ارزش‌های انقلاب اسلامی، و افزایش مشارکت نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در رشد و تعالی کشور در عرصه‌های دینی و فرهنگی به‌عنوان نهاد مولد سرمایه انسانی، فرهنگی و اجتماعی و معنوی در دستور کار آموزش و پرورش قرار گیرد.

مخاطبان آموزش و پرورش کودکان و نوجوانانی هستند که آن چه را امروز فرا می‌گیرند فردا در افکار و رفتار خویش متجلی می‌سازند. فعل و انفعالات آموزشی و تربیتی امروز بر چگونگی شکل‌گیری فرداهای دور و نزدیک تأثیر می‌گذارد. برنامه‌های امروز و فردا در فرایند تعلیم و تربیت به شدت به هم گره خورده است و این نهاد بیش از سایر ارگانها به برنامه‌های تحولی نیازمند است. به همین دلیل امروزه، نهادهای آموزش و پرورش در اکثر کشورهای جهان با مساله و تدوین و اجرای برنامه‌های راهبردی تحول آفرین دست و پنجه نرم می‌کند. (یونیسکو، ۱۳۶۰)

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، ضرورت تحول همه جانبه و ممیق در تهاد آموزش و پرورش بیش اتر پیش احساس می‌شاد. زیرا انقلاب اسلامی یک انقلاب فرهنگی است و تغییر فرهنگ و تحول در باورها و رفتارها را باید از سنین کودکی و جوانی آغاز کرد. به همین علت از آغاثین روترهای پیروزی انقلاب انجام تحولات بنیادی در دستور کار مسئولان ارشد نظام آموزش و پرورش قرار گرفت. (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۸۵)

یکی از محورهای اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش ارتقاء و بهبود مستمر کیفیت تقام کارشناسی، مدیریت و راهبری آموزشی و تربیتی در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی است (سند تحول بنیادین)

آموزش و پرورش باید پیش برندهای تحولات فرهنگی و اجتماعی و سیاسی باشد و بتواند ضمن نهادینه سازی ارزش های جامعه اسلامی متناسب با شرایط زمان، نیروی انسانی مورد تیاتر برای تحقق اهداف انقلاب اسلامی را بوجود بیاورد از این منظر آموزش و پرورش با مشکلات جدی روبه رو است. ایجاد بیش از ۱۰۰۰ واحد آموزشی در سطح کشور و گسترش نظام اداری و اجرایی برای ساماندهی امور مدارس و تمرکز گرای فرآوان، مداخلات سیاسی و حمام حاکمیت تمام شایسته سالاری در انتصاب و انتخاب برخی از مداران سبب شده است که تمام مدیریتی آموزش و پرورش از کار آمدی و اثربخشی مناسب برخوردار نباشد و نظام اداری و اجرایی، چابکی لازم را برای تحقق مأموریت های سازمانی نداشته باشد. (فانی، ۱۳۸۵)

راهکارهایی که برای مدیریت و راهبردی آموزشی و تربیتی در اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش به آن اشاره شاه عبارتند از: نهادینه کردن برنامه محو در سطوح مختلف مدیریت تمام تعلیم و تربیت رسمی عمومی، ایجاد ساز کارهای لازم برای تربیت و نگهداشت مدیران و راهبران آموزشی و تربیتی و تلاش برای افزایش ثبات مدیریت در مجموعه نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی، گزینش مدیران در سطوح مختلف براساس شایسته سالاری و پیشگامی آنان در ارزش های الهی و انسانی و معیارهای علمی، کار آمد و باور به اهداف نظام تعلیم و تربیت، اصلاح ساختار اجرایی و کاهش تعداد واحد های اداری، متناسب با مدیریت کار آمد و اثربخش (سند تحول بنیادین)

تحول بنیادین درصدد آن است تا نظام آموزشی وارداتی برآمده از تئوری هاواندیشه های مدرنیته را به نظام آموزش و پرورش مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی تبدیل کند و زمینه دستیابی آگاهانه و اختیاری فراگیران و دانش آموزان به مراتبی از حیات طیبه و برپایی جامعه عدل مهدوی (عج) هموار سازد از آنجایی که این تحول، در راستای رسالت خطیری است که انبیای الهی و اولیای ربانی بر عهده داشته اند، لذا مدیریت این تحول نیز، باید ملهم از آموزه های وحیانی و معارف الهی و ساز وار با نظام معیار اسلامی باشد تا تحقق این اهداف، میسر گردد. مکتب مدیریتی اسلام، مجموعه ای از ارزش های مدیریتی، خط مشی ها، قوانین، کلیات و اصول است که بر نظام مدیریتی حاکم میباشد (قوامی، ۱۳۸۲).

پیشینه پژوهش:

یکی از اصول مهم برنامه ریزی آموزش و پرورش ما احصل تغییر و تحول است و اگر قرار باشد آموزش و پرورش بر اساس روند موجود پیش برود، رشد کند و توسعه یابد دیگر احتیاجی به برنامه ریزی نیست. برنامه ریزی آن است که در روند موجود تغییر و تحول ایجاد کند و آنرا در مسیر جدیدی قرار دهد و کمبودهای کمی و معایب کیفی آنرا برطرف سازد (سبحانی نبار ۱۳۹۳). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با اتکا به آموزه های قران، استاد بالادستی من جمله سند چشم انداز بیست ساله (افق ۱۴۰۴ هجری و شمسی)، نقشه جامع علمی کشور تنظیم شده است. آموزش و پرورش باید در پایان دوره به اهداف تعیین شده در سند تحول دست باید (شاه زیدی، ۱۳۹۴). در این مسیر قطعاً با موانع و چالشهایی روبرو خواهد شد. بررسی موانع

و چالشهایی که بر تواعتماد سازی مدارس تاثیر گذارند، عیب جویی نیست بلکه همه از سیستم آموزش و پرورش سهم پرده ایم و در خوب و بد آن شریک هستیم. مقصود از توجه کردن به توانمندسازی مدارس این است که با آگاهی و بینش لازم در پی چاره باشیم و برای اصلاح و بالابردن آن بکوشیم. سبحانی نیا در پژوهشی نشان داد که انگیزه و تخصص کافی معلمان با بهبود توانمندسازی مدارس رابطه مثبت و معنی داری دارد. اما در مجموع برنامه ریزی های آموزش و پرورش تاکنون به رشد بازوی کمیته بیشتر پرداخته است. تا به تقویت بازوی کیفیتی. اگر به نتایج طرحهای آموزشی نگاه کنیم، جلوه های رشد کمیته را به روشنی می بینیم، صحبت ها از رقم و عدد است و ملاکهای پیشرفت بر اساس افزایشهای کمیته تعیین شده است ولی چنین به نظر می رسد که بهبود کیفیتی نیز به تدریج در میدان عمل وارد می شود. برنامه های چهارم و پنجم، هر دو در این زمینه تاکیدهایی کرده اند و قدمهایی برداشته اند؛ از جمله طرحهایی را اختصاصا برای ارتقاء سطح توانمند سازی مدارس آموزش و پرورش در دوره های مختلف داشته اند. برنامه هایی که برای آموزش ضمن خدمت و باز آموزی معلمان و بالابردن سطح کارایی و تقویت علمی کادر آموزشی پیش بینی شده است، هدف های کیفیتی را دنبال می کنند (رجایی پور، ۱۳۸۷). همچنین طرحهایی که برای تجهیز کارگاههای آزمایشگاه ها و کتابخانه ها تنظیم شده، و تسهیلاتی که برای تشویق تحقیقات تربیتی و نو آوری پیش بینی شده در جهت بهبود توانمندسازی مدارس است (علی محمدی، ۱۳۹۱).

در حال حاضر نظام آموزش و پرورش ایران در حال اجرای مسند تحول راهبردی برای ایجاد اصلاحات بنیادین در تمام ابعاد نظام آموزشی است. در این سند وضعیت مطلوب نظام آموزشی با پیش بینی ۸ هدف کلان و نیز ۲۲ هدف خرد ترسیم شده است و انتظار می رود از طریق اجرای ۸ راهبرد کلان و نیز بیش از ۸۰ راهکار، کلیه اهداف کلان و خرد تحقق یابد (شورای عالی فرهنگی انقلابی، ۱۳۹۲). لذا ضرورت توجه به تأثیر مستند تحول بنیادین آموزش و پرورش یک امر بسیار مهم بوده است مبانی نظری افق سند تحول بنیادین تحقق ارزشهای متعالی انقلاب اسلامی مستلزم تلاش هم جانبه در تمام ابعاد فرهنگی، علمی، اجتماعی و اقتصادی است. عرصه تعلیم و تربیت از مهم ترین زیرساختهای تعالی همه جانبه کشور و ابزار جدی برای ارتقای سرمایه انسانی شایسته کشور در عرصه های مختلف است. تحقق آرمانهای متعالی انقلاب اسلامی ایران مانند احیای تمدن عظیم اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در میان ملتها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان در گرو تربیت انسانهای عالم، منفی و آزاده و اخلاقی است و تعلیم و تربیتی که تحقق بخشی حیات طیبه جامعه عدل جهانی و تمدن اسلامی ایرانی باشد در پرتو چنین سرمایه انسانی متعالی است که جامعه بشری آمادگی تحقق حکومت جهانی انسان کامل را یافته و در سایه چنین حکومتی ظرفیت و استعدادهای بشر به شکوفایی و کمال خواهد رسید، تحقق این هدف نیازمند ترسیم نقشه راهی است که در آن نحوه طی مسیر، منابع و امکانات لازم، تقسیم کار در سطح ملی و الزامات در این مسیر به صورت شفاف و دقیق مشخص شده باشد. در تهیه مستند ملی تحول بنیادین آموزش و پرورش کوشش شده است تا با الهام گیری از استاد بالادستی و بهره گیری از ارزشهای بنیادین آنها و توجه به اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم انداز و اهداف تعلیم و تربیت در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی تبیین شود. تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش مبتنی بر آرمانهای بلند نظام اسلامی باید معطوف به چشم اندازی باشد که در افق روشن ۱۴۰۴، ترسیم گر ایرانی توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویتی اسلامی انقلابی، الهام بخش جهان اسلام همراه با تعاملی سازنده و مؤثر در عرصه روابط بین المللی است (سیف، ۱۳۹۴). اگرچه در سه دهه گذشته تلاشهای وافر و قابل تقدیری از طرف مسئولان و دست اندر کاران نظام تعلیم و تربیت برای بهبود و اصلاح نظام آموزشی کشور به عمل آمد که خوشبختانه نتایج مثبت و مفیدی نیز بر جای گذاشته است.

۲- روش تحقیق :

رویکرد مطالعه کیفی و روش پژوهش تحلیلی - مفهومی است. در تحلیل اطلاعات نیز از روش تحلیلی استدلالی استفاده شده است. در این پژوهش با مطالعه کتب و منابع متفاوت مطالب مربوط به عنوان و هدف پژوهش جمع آوری شده و سپس با تحلیل استدلالی به نتیجه گیری از مطالب مطرح شده پرداخته ایم.

تحقیق توصیفی، آنچه را که هست توصیف و تفسیر می کند و به شرایط یا روابط موجود، عقاید متداول، فرآیندهای جاری، آثار مشهود و یا روندهای در حال گسترش توجه دارد. توجه آن در درجه اول به زمان حال است، هر چند غالباً رویدادها و آثار گذشته را نیز که به شرایط موجود مربوط می شوند مورد توجه قرار می دهد.

پس تحقیق توصیفی به عنوان تحقیق غیر تجربی نامیده می‌شود، با روابط بین متغیرها، ساختن فرضیه، آزمون فرضیه‌ها، پروراندن مفاهیم و قوانین کلی، اصول و یا نظریه‌هایی که دارای روائی جهان شمول است سروکار دارد و به روابط تابعی توجه دارد، در این تحقیق متغیرها دست‌کاری نمی‌شوند، و آنچه که هست توصیف و تفسیر می‌کند.

در تحقیق توصیفی متغیرها انتخاب می‌شوند و مورد مشاهده قرار می‌گیرند و معمولاً متغیرها توسط محقق دست‌کاری نمی‌شوند. و برای وقوع پدیده‌ها شرایطی را به وجود نمی‌آورند. جامعه مورد بررسی در تحقیق توصیفی وسیع و نامحدود است. دامنه تحقیق توصیفی محقق سعی دارد تا آنچه هست را بدون هیچگونه دخالت یا استنتاج ذهنی گزارش دهد و نتایج عینی را از موقعیت بگیرد.

«هدف تحقیق توصیفی محض: توصیف عینی، واقعی و منظم خصوصیات یک موقعیت یا موضوع است.»

۳- یافته‌های تحقیق

در این سند، اصطلاحات به کار رفته به شرح ذیل تعریف می‌شوند.

نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی نهادی است اجتماعی و فرهنگی و سازمان یافته که به عنوان مهم ترین عامل انتقال، بسط و اعتلای فرهنگی در جامعه اسلامی ایران، مسئولیت آماده سازی دانش آموزان جهت تحقق مرتبه ای از حیات طیبه در همه ابعاد را بر عهده دارد که تحصیل آن مرثیه برای عموم افراد جامعه لازم با شایسته باشد. دستیابی به این مرتبه از آمادگی برای تکوین و تعالی پیوسته هویت دانش آموزان (با تأکید بر وجوه مشترک انسانی اسلامی و ایرانی) اسمن ملاحظه ویژگی های فردی و غیر مشترک و نیز در راستای شکل گیری و اعتلای مداوم جامعه صالح اسلامی مستلزم آن است که تربیت یافتگان این نظام شایستگی های لازم برای درک و اصلاح مداوم موقعیت خود و دیگران را براساس نظام معیار اسلامی کسب نمایند.

تعلیم و تربیت

فرآیندی تعالی جویانه، تعاملی، تدریجی، یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی که به منظور هدایت افراد جامعه به سوی آمادگی برای تحقق آگاهانه و اختباری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد، زمینه های مناسب تکوین و تعالی پیوسته هویت ایشان را در راستای شکل گیری و پیشرفت جامعه صالح اسلامی فراهم می‌آورد.

ساحت های تعلیم و تربیت

ساحت های مندرج در فلسفه تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی تعلیم و تربیت زیباشناختی و هنری تعلیم و تربیت اقتصادی و حرف های، تعلیم و تربیت علمی و فناورانه) می باشد.

در راستای تحقق تحول بنیادین فرهنگی ضرورت دارد که نقشه راه وجود داشته باشد. و اجرای این نقشه راه به تغییر نقش افراد وابسته نباشد. منظور این است که با تغییر وزیر و یا سایر مسئولین ذی ربط و ذی نفع، قابل تغییر نباشد، و به گونه ای تنظیم و طراحی شده باشد که اصول آن مورد قبول همگان باشد و همه آنرا تأیید و تصدیق نمایند و مهمتر اینکه تضمین شده باشد. در فراز سوم بخش اول بیانیه، محورهای مرکزی انقلاب اسلامی در قالب شعارهایی مانند: آزادی، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برابری مطرح گردیده است. در همین فراز آمده است ضمن اینکه نقدها را میپذیریم و طالب اصلاح هستیم اما از ارزشهایمان فاصله نمی‌گیریم. انسان بدلیل نیاز مندی با کمال جویی و همچنین به لحاظ ساختار شخصیت موجودی اجتماعی است. هویت انسان تا حد قابل توجهی در عرصه زندگی اجتماعی ساخته و پرداخته می‌شود. علاوه بر تأثیر اجتماعی عامل اراده فردی نیز مهم است. یعنی با اراده فردی می‌توان در برابر تأثیر اجتماع مقاومت نمود و تأثیر آنرا به حداقل رساند. و حتی می‌توان با شناخت جامعه و قوانین حاکم تحولات اجتماعی و عمل مناسب، بر نظام اجتماعی تأثیر گذاشت برخی عوامل تأثیر گذار در دستیابی و زنده نگهداشتن شعارهای مرکزی و محوری انقلاب اسلامی و رسیدن به حیات طیبه مطرح شده در بیانیه گام دوم عبارتند از:

۱- عامل تربیت و تعلیم:

نظام معیار حیات طیبه مشتمل سلسله مراتبی از ارزشها است. دستیابی به حیات طیبه در همه ابعاد، هدف عملی حیات فردی و اجتماعی انسان است و وصول به مراتب پایینتر نظیر رفع نیازهای زیستی و طبیعی نیز برای انسان سالم مستلزم رعایت ارزش های اخلاقی مقبول همگان است. می توان و باید برای دعوت همه مردم به حیات طیبه و فراهم نمودن شرایط آن، از این مراتب مقدماتی آغاز نمود و بعد به مراتب بالاتر حرکت نمود. اسلام به مثابه کامل ترین دین حق، هم به جنبه های فردی و اجتماعی حیات بشری توجه نموده و هم احکام و قوانین مربوط به هر دو جنبه حیات را در خود دارد.

انسان ها برای تحقق زندگی سعادت مند و توأم با آسایش و آرامش و بدور از عوامل آسیب زا (حیات طیبه) نیازمند نهادهای متعدد و متنوع هستند که نهاد تعلیم و تربیت محور اساسی ارتقای حیات آدمی است. کمک به فرایند تربیت مهم ترین معیار در سیاست گذاریها و تعیین اولویتهای اجتماعی محسوب می شود. تربیت و تعلیم در عصر حاضر نیازمند بهره گیری از فن آوریها و ابزار و دانش روز دنیاست. رسانه در انواع دیداری، شنیداری، مکتوب و یا دیجیتالی نقش مهمی در اینخصوص عهده دار است. در شرایط کنونی برای برخوردی منفعلانه با صرفا منفی با این عامل مهم فرهنگی و اجتماعی با سیاست گذاری و برنامه ریزی مناسب از توانمندی انواع رسانه و کمک به تربیت غیر رسمی نیز لازم هست بهره مند شویم. میان رسانه و سایر عوامل تأثیر گذار در فرایند تربیت، مانند خانواده، برخی نهادهای دولتی و تشکلهای غیر دولتی، باید ارتباط معنا دار و هدفمندی در جهت رسیدن به ارزش های مورد نظر برقرار شود. در واقع خاستگاه اقتدار دولت اسلامی و حفظ آن، انسان های هدایت یافته ای هستند که در راه برپایی حکومت دینی و گسترش هدایت گام بر میدارند. از اینرو جهت گیری تربیتی از مهم ترین اولویت های کل نظام باید باشد و لذا برنامه های سیاسی و اقتصادی تابعی از جهت گیریهای تربیتی نظام اند و نمی توانند تعیین کننده حدود و ثغور و کمیت و کیفیت تربیت باشند. این جهت گیریها که عمدتا ماهیتی تربیتی و هدایتی دارند در اصل سوم قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته اند. در دیدگاه اسلامی هم بر آزادی و مسئولیت فردی تأکید می شود و هم بر تأثیرات محیط اجتماعی و ساختارهای الزام آور تأکید دارد. بر این اساس ما نمی توانیم از تأثیر عملکردهای محیطی و اجتماعی بر افراد چشم پوشی نماییم و از طرفی نمی توانیم و نباید نقش افراد در تبیین اعمال و حتی در تصحیح آنها نادیده بگیریم.

۲- عدالت محوری:

مقوله عدالت محوری یکی از ارکان حیات اجتماعی تلقی شده و مورد توجه بوده است. بر اساس بیان قرآن هدف اساسی ارسال پیامبران به پا داشتن مردم برای برپایی جامعه عادلانه است. لذا یکی از اهداف انقلاب اسلامی و حکومت اسلامی، اجرا و بسط عدالت اجتماعی است. حوزه های عدالت متعدّدند و شامل: خود، خانواده، خویشان، امت و جامعه انسان ها می شود. یکی از عرصه های بنیادی برپایی عدالت اجتماعی، توسعه عدالت در امر تربیت است.

۳- ارزش مداری عقلانی:

تربیت فرایندی اجتماعی است و امری ارزشی است و نمی توان آنها نسبت به ارزشها خنثی و بی طرف تلقی نمود، این فرایند به قصد تکثیر و تعالی ارزشها صورت می گیرد، اما نحوه مواجهه نظامهای تربیتی با مقوله ارزشها متفاوت است. یک شکل آن روشهای سخت و تحمیلی (چه آشکار یا پنهان است. و شکل دیگر این فعالیت مبتنی بر آگاهی و آزادی متریبان استوار است.

۴- تأکید بر وحدت ملی و انسجام اجتماعی و پذیرش کثرت و تنوع:

تربیت و تعلیم رسمی و عمومی پدیده ای تاریخی و زمینه محور است. به این معنی که در بستر تاریخی و اجتماعی جامعه می روید و نشو و نما پیدا می کند. یکی از واقعیتهای جامعه ایران پذیرش کثرت قومی و فرهنگی، دینی و مذهبی و تنوع زبانی است. این کثرت قابل توجه که در کشور ما موضوعی ریشه ای و تاریخی به شمار می آید همواره نوعی وحدت و همگرایی تاریخی نیز در مجموعه صاحبان خرده فرهنگها و اقوام مختلف ساکن این سرزمین با نام ایران و عناصر مشترک فرهنگی جریان داشته است

عملیاتی نمودن بیانیه گام دوم در نظام آموزش و پرورش نظام آموزش و پرورش

به منزله یک نهاد اجتماعی و فرهنگی سازمان یافته، متولی تحقق شایسته تربیت و تعلیم در تمام سطوح سیاست گذاری، برنامه ریزی، پشتیبانی، هماهنگی، سازمان دهی و اجرا، نظارت، ارزیابی و اصلاح است. تحقق این هدف نیازمند تدوین اصولی است که ناظر بر روابط درونی بخشها و اجزای درونی سازمان و همچنین ناظر بر روابط بیرونی آن با سایر نهادها و عوامل سهیم و تأثیر گذار است. به عنوان نمونه برخی برنامه های عملیاتی قابل اجرا در سطح مدرسه عبارتند از: ۱- ساده سازی تجربیات و روابط واقعی اجتماعی. ۲- پالایش و زدودن برخی عوارض و نتایج ناخوشایند نامطلوب اجتماعی. ۳- متنایب سازی تجربیات مدرسه با شرایط محیطی و رشدی متربیان. ۴- ایجاد تعادل و توجه متوازن به همه جنبه های حیات اجتماعی ۵- انعطاف پذیری و رعایت اصل تفاوت های فردی و کثرت فرهنگی. ۷- تقویت روحیه مشارکت و تعاون و دوری از فردگرایی افراطی و رقابت گرایی مخرب.

۴- بحث و نتیجه گیری:

تحقق اهداف و راهکارهای سند تحول بنیادین نیازمند مدیریتی کار آمد، مدیران توانمند و خلاق است در باورها و رفتارها باید بتوان با ایجاد عزم ملی و جلب همراهی همگانی، نسبت به ارتقاء مسئولیت پذیری ارکان سهیم و موثر در آموزش و پرورش و فرایند تعلیم و تربیت، بسیج امکانات، استفاده بهینه از فرصتها کوشش کرد و این همه نیازمند مدیریت کار آمد و اثربخش و تحول آفرین است. اگر بخواهیم سازمانی یا نهادی تغییر کند یا به شیوه بهتر عمل کند باید به افراد فرصت کافی بدهیم تا شیوهی فکر و عمل خود را تغییر دهد اگر شیوه تفکرمان را تغییر ندهیم، تمامی راههای جدید به همان نتایج کم اثر منجر میشود. (سنگه، ۱۳۸۵)

در تبیین نتایج بدست آمده میتوان گفت به اعتقاد بسیاری از دانشمندان حوزه تعلیم و تربیت، سازمانها وجه انکارناپذیری دنیای نوین امروز را تشکیل میدهند، ماهیت جوامع توسط سازمانها شکل گرفته و آنها نیز به نوبه خود به وسیله دنیای پیرامون و روابط موجود در آن شکل میگیرند و اگرچه سازمانها به شکل های مختلف و برپایه هدف های گوناگون تأسیس و سازماندهی میشوند، اما بدون تردید تمامی آنها برپایه تلاشهای روانی و جسمانی نیروی انسانی که ارکان اصلی آن به حساب میآید، اداره و هدایت میگیرند. آموزش و پرورش نیز یکی از این سازمانها می باشد که به پشتوانه تلاش های دلسوزانه مدیران و معلمان و زحمتکش در مدارس، تأثیرگذاری خود را بر جامعه دارد، اما برای حصول نتایج مطلوب، نیاز به تحول دارد و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش یک برنامه مهم در سطح ملی است که در آن معلم به عنوان موثرترین عنصر یاد شده است. در برنامه های تحولی ابتدا باید معلمی متحول تربیت کنیم و سپس دانش آموز متحول و تحول مورد نظر را برای تحقق اهداف برنامه های تحولی از این معلم انتظار داشته باشیم و با در نظر گرفتن تغییرات در تعلیم و تربیت، فراگیری مهارت های جدید برای کارکنان و مدیران و آموزشهای ضمن خدمت جهت بهروز نمودن آگاهی های افراد ضرورتی اجتناب ناپذیر است. مهمترین و حیاتیترین دارایی هر سازمان، نیروی انسانی آن سازمان است. کیفیت بخشی و توانمندسازی نیروی نیروی انسانی، مهمترین عامل بقاء و حیات سازمان است. توانمند کردن مدیران و معلمان مدارس موجب میشود تا آموزش و پرورش سریعتر و بدون اتلاف منابع به اهداف خود نائل شود. و توانمندسازی موجب میشود که مدیران و معلمان مدارس، سازمان و شغل را از آن خود بدانند و از کار کردن در آن به خود بالند، بدون توانمندسازی، نه مدیران و نه سازمان آموزش و پرورش نمیتوانند در دراز مدت اثربخشی موثری داشته باشند. در نهایت علی رغم محدودیتهای پژوهش حاضر بهیچوجه اینکه این پژوهش بر روی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش انجام گرفته است، مبنایست نتایج حاصل از این پژوهش را با احتیاط با احتیاط به سایر افراد و گروههای جامعه تعمیم داد و پیشنهاد میگردد در خصوص بررسی تحلیلی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به لحاظ پرداختن به دیگر شاخص های مربوط به مدارس همچون نوآوری سازمانی، اثربخشی سازمانی و ... پژوهشهایی انجام گیرد. همچنین با توجه به نتایج این پژوهش و اهمیت توانمندسازی مدارس، با برگزاری جلسات سخنرانی، کارگاههای آموزشی، دورههای ضمن خدمت، بروشور، تبلیغات، ... مسولین آموزش و پرورش، مدیران و معلمان مدارس را نسبت به توانمندسازی مدارس، آگاهی بخشید.

منابع

- رجایی پور، سعید، ۱۳۸۷، عوامل مؤثر بر توانمند سازی مدیران مدارس.
- سبحانی نیا، ابوذر، ۱۳۹۳، نظرات مدرسان مراکز تربیت معلم استان اصفهان در رابطه با عوامل مؤثر در بهبود توانمندسازی مدارس، فصلنامه اندیشه های تازه در علوم تربیت، ۴۰، ۴۵-۶۲.
- سنگه، پیتر، ۱۳۸۵، پنجمین فرمان، خلق سازمان یادگیرنده، حافظ کمال هدایت ومحمد روشن، تهران، انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.
- شاه زیدی، فاطمه السادات، ۱۳۹۴، آموزش مشاور مدرسه، فصلنامه رشد، شماره ۴۱، ۹۶-۱۱۶.
- شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۸۹، صورت مذاکرات تصویب قانون شورای عالی، تهران، دبیر خانه شورای عالی آموزش و پرورش.
- قوامی، سید صمصام الدین، ۱۳۸۲، مدیریت از منظر کتاب وسنت، تهران، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری.
- علی محمدی، فرهاد، ۱۳۹۱، کمبود معلم متخصص و رابطه آن به اجرای مطلوب دروس، پایان کارشناسی ار شد، مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی رودهن.
- فانی، علی اصغر، ۱۳۸۵، مساله شناسی نظام آموزش و پرورش در ایران، معاونت پژوهشی فرهنگی واجتماعی، مرکز مطالعات استراتژیک، گزارش راهبردی، شماره ۱۱.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۳، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- یونیسکو، ۱۳۶۰، آموختن برای زیستن، تهران، امیر کبیر.